

## پرسش ۶۴۷: سوالی در مورد زرارۀ (رحمه الله)

السؤال / ۶۴۷ : كنت أتجول في بعض المنتديات.

وقرات كلاماً من أحد المغاربة تفرط له قلبي وسبب لي حرج في نقاشاتي معهم فهل صحيح ما قيل حول زرارۀ؟ وأنقله بنصه لأنني سأردّ عليهم:

پرسش ۶۴۷: در تالارهای گفت‌وگو مشغول گشت و گذار بودم. از یکی از مراکشی‌ها مطلبی خواندم که قلبم را به درد آورد و مرا به مباحثات و کشمکش‌هایی شدید با آنها واداشت. آیا آنچه که درباره‌ی زرارۀ گفته می‌شود صحیح است؟ من عین متنش را می‌آورم زیرا با همین‌ها به آنها پاسخ خواهم داد:

۱- قال الشيخ الطوسي: (إن زرارۀ من أسرة نصرانية، وإن جده "سنسن وقيل سبسب" كان راهباً نصرانياً، وكان أبوه عبداً رومياً لرجل من بني شيبان) [258].

۱- شیخ طوسی گفته‌است: زرارۀ از خانواده‌ای نصرانی بود و جدش («سنسن» و گفته‌شده «سبسب») یک راهب نصرانی بوده‌است. پدرش برده‌ی رومی بوده که برای بنی شیبان کار می‌کرده‌است [259].

وزرارۀ هو الذي قال: (سألت أبا عبد الله عن التشهد .. إلى أن قال: فلما خرجت ضرطت في لحيته وقلت: لا يفلح أبداً) [260].

زرارۀ کسی است که گفته‌است: «در مورد تشهد از ابوعبدالله پرسیدم.... تا آنجا که گفتم: وقتی خارج شدم در ریشش «ضرطه زد» (باد معده) و گفتم: هرگز رستگار نمی‌شود» [261].

وقال زرارة أيضاً: (والله لو حدثت بكل ما سمعته من أبي عبد الله لانتفخت  
ذکور الرجال علی الخشب) [262].

همچنین زراره گفته است: «به خدا سوگند اگر تمام آنچه را که از امام صادق (ع)  
شنیده‌ام بر زبان بیاورم، مردان قوی نیز به دار آویخته خواهند شد» [263].

عن ابن مسكان، قال: سمعت زرارة يقول: (رحم الله أبا جعفر، وأما جعفر فإن  
في قلبي عليه لفته. فقلت له: وما حمل زرارة على هذا؟ قال: حمله على هذا أن أبا  
عبد الله أخرج مخازيه) [264].

ابن مسکان می‌گوید شنیدم زراره می‌گفت: خدا رحمت کند ابوجعفر را، و اما جعفر،  
در دلم نسبت به او «لفته» (کدورتی) است. به او گفتم: چه چیز باعث شده زراره چنین  
بگوید؟ گفت: به خاطر این که ابوعبدالله زشتی‌هایش را برملا کرده است [265].

أقوال أبو عبد الله رضي الله عنه في زرارة:

سخنان ابوعبدالله درباره‌ی زراره:

۲- ولهذا قال أبو عبد الله فيه: (لعن الله زرارة) [266].

۲- و به همین دلیل ابوعبدالله درباره‌ی او گفت: «خدا لعنت کند زراره را» [267].

۳- وقال أبو عبد الله أيضاً: (اللهم لو لم تكن جهنم إلا سكرجة لوسعها آل أعين  
بن سنسن).

۳- هم‌چنین ابوعبدالله گفته است: «خداوندا! جهنم را به وجود نیاوردی مگر ظرف  
کوچکی که خاندان اعین بن سنن بزرگش کنند».

۴- وقال أبو عبد الله: (لعن الله بريداً، لعن الله زرارة) ([268]).

۴- ابو عبدالله گفت: «خدا لعنت کرد برید را، خدا لعنت کند زراره را» ([269]).

۵- وقال أيضاً: (لا يموت زرارة إلا تائهاً عليه لعنة الله) ([270]).

۵- و هم چنین گفته است: «زراره نمی میرد مگر سرگردان و حیران، لعنت خدا بر او

باد!» ([271]).

۶- وقال أبو عبد الله أيضاً: (هذا زرارة بن أعين، هذا والله من الذين وصفهم الله تعالى في كتابه العزيز: (وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا)

.[272])([273]).

۶- و نیز ابو عبدالله گفته است: «این زراره بن اعین است، و الله او جزو کسانی است

که خداوند متعال در کتاب عزیزش آنها را توصیف کرده است: (و به اعمالی که

کرده اند پردازیم و همه را چون ذرات خاک بر باد دهیم) ([274])([275]).

۷- وقال: (إنّ قوماً يعارون الإيمان عارية، ثم يسلبونه، فيقال لهم يوم القيامة المعارون، أما إنّ زرارة بن أعين لمنهم) ([276]).

۷- و گفته است: «قومی ایمان را عاریت می گیرند سپس آن را پس می دهند و در روز

قیامت به آنها «معارون» گفته می شود. یقیناً زراره بن اعین از آنها است» ([277]).

۸- وقال أيضاً: (إن مرض فلا تعده، وإن مات فلا تشهد جنازته. ف قيل له: زرارة؟ متعجباً، قال: نعم، زرارة شر من اليهود والنصارى، ومن قال إنّ الله ثالث ثلاثة، إن الله قد نكس زرارة، وقال: إنّ زرارة قد شك في إمامتي فاستوهبته من

ربي) ([278]).

۸- هم‌چنین گفته‌است: «اگر بیمار شود، درمانش نکنید و اگر بمیرد، بر جنازه‌اش نماز نخوانید. به او گفته‌شد: زراره؟ با تعجب گفت: آری، زراره از یهود و نصارا شیرتر است و کسی است که گفته، خداوند سه‌گانه‌است، خداوند زراره را ذلیل کند. و گفت: زراره در امامت من شک کرد، پس از خدای من طلب بخشش نمود» ([279]).

**فإذا كان زراره من أسرة نصرانية وكان قد شك في إمامة أبي عبد الله، وهو الذي قال بأنه شرط في لحية أبي عبد الله، وقال عنه لا يفلح أبداً، فما الذي نتوقع أن يقدمه لدين الإسلام؟؟**

حال اگر زراره از یک خانواده‌ی نصرانی بوده‌است و در امامت ابوعبدالله شک داشته باشد، و او همانی است که گفته در ریش ابوعبدالله شرطه زده، و درباره‌اش گفته‌است که هرگز رستگار نمی‌شود، پس دیگر توقع داریم او چه خدمتی به دین اسلام عرضه بدارد؟!

**إن صحاح الشيعة طافحة بأحاديث زراره، وهو في مركز الصدارة بين الرواة، وهو الذي كذب على أهل البيت وأدخل في الإسلام بدعاً ما أدخل مثلها أحد كما قال أبو عبد الله، ومن راجع صحاح الشيعة وجد مصداق هذا الكلام، ومثله يريد حتى إنَّ أبا عبد الله لعنهما.**

صحاح شیعه پر است از احادیث زراره، و او در صدر راویان قرار دارد. او کسی است که بر اهل بیت دروغ بست و در اسلام بدعت‌هایی وارد نمود که کسی همانند او چنین بدعت‌هایی در اسلام نیاورده‌است؛ ابوعبدالله نیز به این مطلب اشاره کرده‌است. هر کس به صحاح شیعه رجوع کند، مصداق این سخن را می‌یابد و مثل و نظیر او «برید» است که ابوعبدالله این دو را لعن نموده‌است.

**والأسئلة التي طرحها بين أحضان كل شيوعي واهم بصحة مذهبه، أو معاند  
على صدق عقيدته:**

پرسش‌هایی که ما در دامان تمام شیعیان قرار می‌دهیم که از مهمترین موارد مذهب  
او یا دلیل بر عدم صدق عقیده‌ی او است:

**كيف يدعي الشيوعي محبة آل البيت وهو يأخذ دينه من رجل شرط في لحية أبي  
عبد الله؟**

چطور شیعه ادعای محبت آل البيت دارد و حال آن که دین خود را از کسی می‌گیرد  
که در ریش ابوعبدالله شرطه زده‌است؟

**كيف يأخذ الشيعة دينهم من رجل شك في إمامة أبي عبد الله رضي الله عنه؟**

چگونه شیعه دین خود را از مردی می‌گیرد که در امامت ابوعبدالله شک کرده‌است؟

**كيف يبكي الشيعة ويضربون أنفسهم ويخرجون دمائهم بأيديهم حزناً على أبي  
عبد الله وهم يأخذون دينهم من رجل شك في إمامة أبي عبد الله رضي الله عنه؟**

چگونه شیعیان در حزن و اندوه ابوعبدالله می‌گیرند و خود را می‌زنند و به دست  
خودشان از بدن خون جاری می‌سازند و حال آن که از سوی دیگر، دین خود را از  
مردی اخذ می‌کنند که در امامت ابوعبدالله شک کرده‌است؟

**كيف يأخذ الشيعة دينهم من رجل لعنه أبا عبد الله؟**

چگونه شیعیان دین خود را از مردی می‌گیرند که ابوعبدالله او را لعنت کرده‌است؟

**كيف يأخذ الشيعة دينهم من أبناء الرهبان؟**

چگونه شیعیان دین خود را از فرزندان راهب‌های مسیحی اخذ می‌کنند؟

فرستنده: حسین القلاف - عربستان سعودی

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم**

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

زرارة من أوثق وأعدل أصحاب الأئمة (ع)، وقد أمرنا الأئمة بأخذ الأحاديث التي يرويها، وإليك بعض الروايات:

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

زراره از واثق‌ترین و عادل‌ترین اصحاب ائمه (ع) است و ائمه ما را به اخذ احاديثی که او روایت کرده‌است دستور داده‌اند. این شما و این برخی از این روایات:

وسائل الشيعة (آل البيت) ج ٢٧ ص ١٤٣ - ١٤٤:

عن أبي العباس الفضل بن عبد الملك، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (أحب الناس إليّ أحياءاً وأمواتاً أربعة: بريد بن معاوية العجلي، وزرارة، ومحمد بن مسلم، والأحول، وهم أحب الناس إليّ أحياءاً وأمواتاً).

وسائل الشيعة (آل البيت) ج ٢٧ ص ١٤٣-١٤٤: از ابی العباس فضل بن

عبدالمک: شنیدم ابا عبدالله می‌فرماید: «چهار نفر هستند که محبوب‌ترین مردم نزد

من به حساب می آیند: برید بن معاویه العجلی و زرارہ بن اعین و محمد بن مسلم و الاحول. اینها چه زنده باشند و چه مرده محبوبترین مردم نزد من هستند».

**و عن المفضل بن عمر: (إِنَّ أبا عبد الله (ع) قال للفيض بن المختار في حديث: فإذا أردت حديثنا فعليك بهذا الجالس، وأوماً إلى رجل من أصحابه، فسألت أصحابنا عنه، فقالوا: زرارہ بن أعين).**

مفضل بن عمر می گوید: «ابوعبدالله (ع) در حدیثی به فیض بن مختار فرمود: «اگر سخن ما را می خواهی پس بر تو باد بر این شخص» و به مردی از اصحابش اشاره فرمود. اصحاب ما درباره ی او پرس و جو کردند، گفتند: او زرارہ بن اعین است».

**و عن ابراهيم بن عبد الحميد وغيره، قالوا: قال أبو عبد الله (ع): (رحم الله زرارہ بن أعين، لولا زرارہ ونظراؤه لاندست أحاديث أبي (ع)).**

از ابراهیم ابن عبد الحمید و سایرین: ابوعبدالله (ع) فرمود: «خدا رحمت کند زرارہ بن اعین را! اگر زرارہ و امثال او نبودند، احادیث پدرم (ع) مندرس و ضایع شده بود».

**و عن سليمان بن خالد، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (ما أجد أحداً أحيى ذكرنا، وأحاديث أبي (ع) إلا زرارہ، وأبو بصير ليث المرادي، ومحمد بن مسلم، وبريد بن معاوية العجلي، ولولا هؤلاء ما كان أحد يستنبط هذا، هؤلاء حفاظ الدين وأمناء أبي (ع) على حلال الله وحرامه، وهم السابقون إلينا في الدنيا، والسابقون إلينا في الآخرة).**

از سلیمان بن خالد: شنیدم ابوعبدالله (ع) فرمود: «کسی ذکر ما و احادیث پدرم (ع) را احیا نکرد به جز زرارہ و ابوبصیر لیث مرادی و محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجلی. اگر اینان نبودند هرگز کسی این (احادیث) را استنباط نمی نمود. اینان حافظان

دین و امینان پدرم (ع) بر حلال و حرام خدایند. آنان سبقت‌گیران به سوی ما در دنیا و آخرتند».

و عن أبي عبيدة الحذاء، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (زرارة، وأبو بصير، ومحمد بن مسلم، وبريد، من الذين قال الله تعالى: (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) [280]).

از عبیده بن حدّاء که گفت: شنیدم ابو عبدالله (ع) می‌فرماید: «زراره و ابوبصیر و محمد بن مسلم از کسانی هستند که خداوند متعال درباره‌ی آنها فرموده‌است: (آنها که سبقت جسته‌بودند و اینک پیش افتاده‌اند، اینان مقربانند) [281].

وأما روايات الذم لزرارة وأمثاله فهي محمولة على التقية للحفاظ عليهم من الطواغيت أعداء آل محمد (ع) الذين كانوا يقتلون أو يسجنون أو يشردون كل من كان من خاصة أهل البيت (ع)، وقد صرح الأئمة (ع) بذلك وبيّنوا الغرض من لعنهم وذمهم لبعض أصحابهم الثقات الأثبات. وفقك الله لكل خير وفلاح.

اللجنة العلمية - لأنصار الإمام المهدي (مکن الله له فی الأرض)

الشيخ ناظم العقبلي - محرم  
الحرام / ١٤٣٢ هـ

اما روايات در ذمّ زرارّه و امثال او، محمول بر تقیه‌است و با هدف حفظ آن‌ها از شرّ طاغوتیان دشمنان آل محمد (ع) صورت گرفته‌است؛ یعنی از همان کسانی که هر فردی که از مقربان و نزدیکان اهل البيت (ع) بود را می‌کشتند و به زندان می‌افکندند یا آواره می‌ساختند. ائمه (ع) به این مطلب تصریح نموده‌اند و غرض از لعن و مذمتی که برای برخی از اصحاب ثقه و مورد اعتماد خود به کار برده‌اند را تبیین فرموده‌اند.

خداوند شما را به هر خیر و فلاحی موفق بدارد!



هیأت علمی انصار امام مهدی (ع) - (خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم العقیلی - محرم

الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق



- [258] - الفهرست: ص 104.
- [259] - الفهرست: ص 104.
- [260] - رجال الكشي: ص 142.
- [261] - رجال كشي: ص 142.
- [262] - رجال الكشي: ص 123.
- [263] - رجال كشي: ص 123.
- [264] - رجال الكشي: ص 131.
- [265] - رجال كشي: ص 131.
- [266] - المصدر السابق: ص 133.
- [267] - رجال كشي: ص 133.
- [268] - المصدر السابق: ص 134.
- [269] - رجال كشي: ص 134.
- [270] - المصدر السابق: ص 134.
- [271] - رجال كشي: ص 134.
- [272] - الفرقان: 23.
- [273] - رجال الكشي: ص 136.
- [274] - فرقان: 23.
- [275] - رجال كشي: ص 136.
- [276] - رجال الكشي: ص 141.
- [277] - رجال كشي: ص 141.

[\[278\]](#) - رجال الكشي: ص 138.

[\[279\]](#) - رجال كشي: ص 138.

[\[280\]](#) - الواقعة: 10 - 11.

[\[281\]](#) - واقعه: 10 و 11.